

نگاه



● یادداشت این هفته نیز به موضوعی از مقررات قانون جدید مجازات اسلامی اختصاص داده شده است. ماده ۱۲ قانون جدید می‌گوید حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب «قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.» مقررات این ماده که مبین «اصل قانونی بودن جرم و مجازات و آیین دادرسی کیفری است»، درواقع به رعایت مفاد اصل ۲۶ قانون اساسی تأکید دارد که مقرر داشته است «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» در سال‌های اخیر در مقام تقنینی و گاهی قضایی و اجرایی، این اصل مهم قانون اساسی و مبتنی بر موازین شناخته‌شده اصول دادرسی عادلانه و حقوق بشری مورد غفلت قرار گرفته و درباره قانون شورا‌های حل اختلاف بنا به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از حیث «حق دادخواهی شهروندی و مرجع آن» مورد تجاوز قرار گرفته است یا در احکامی مانند شهر مجرمان موسوم به ارادل و اوباش از طریق گرداندن آنان در شهر یا آفتابه به گردن اوختن، یا سوار بر الاغ کرن و …، مورد نقض واقع شده که مورد انتقاد حقوقدانان و گاهی خود مسئولان امر نیز قرار گرفته است. از این‌رو، ماده ۱۳ قانون جدید که منطبق با موازین مسلم جزایی است، می‌گوید: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هر گونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسوولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت خسارت در بی‌تالمال جبران می‌شود.»

قانون شورای حل اختلاف (که مدت اجرای آزمایشی پنج ساله آن رو به اتمام و از جهت متعدد مغایر اصول قانون اساسی است از جمله اینکه مطابق قانون افراد فاقد تخصص و صلاحیت امر قضا اجازه تعیین مجازات جزای نقدی را در جرایمی که مجازات قانونی آنها تا ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی است دارند) از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون جدید مجازات اسلامی، از جنبه صلاحیت رسیدگی به امور کیفری و مواد مربوطه آن، منسوخ است و به نظر نگارنده نته‌تها پرونده‌های مفتوحه کیفری باید با صدور قرار عدم صلاحیت به مراجع صالحه ارسال شود، بلکه از آنجایی که از تاریخ ۹۲/۳/۲۰ هرگونه اقدام یا تحقیقات کیفری یا صدور آرا در این زمینه در شورا‌های حل اختلاف به لحاظ عدم صلاحیت کیفری این نهاد، وجه قانونی ندارد، فاقد اعتبار قضایی است و افراد ذی‌نفع می‌توانند به این موضوع اعتراض و درخواست کنند پرونده‌های آنان به مراجع صالحه قضایی فرستاده شود زیرا ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸، مواد (۲۲۵) تا (۲۶۹) و مواد (۲۲۶) تا (۲۲۸) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۱۲/۱۳ و قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها نسخ می‌گردد.»

مضاف بر این، همین قانون جدید بر مبنای اصل عطف به ماسبق‌شدن قوانین شکلی (آیین‌دادرسی و صلاحیت) در ماده ۱۱ آن بیان می‌دارد: «قوانین زیر نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، فورا اجرا می‌شود؛ الفد قوانین مربوط به تشکیکات قضایی و صلاحیت بـد قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم. پـد قوانین مربوط به شیوه دادرسی تـد قوانین مربوط به مرور زمان.»

حادثه

شلیک پلیس برای دستگیری سارق مغازه

● **شرق:** ماموران پلیس با شلیک گلوله مردی را که به سرورمارکتی دستبند زده بود، دستگیر کردند. سرهنگ رضا جوانمرد، سر کلانتر دوم پلیس پیشگیری پایتخت، در این‌باره گفت: «یکی از شهروندان ساکن خیابان «جناح» شلمگاه شنبه با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و اعلام کرد با شنیدن صداهایی که از فروشگاه همسایه آنها به گوش می‌رسید به آنجا رفت و متوجه شد سارقی در فروشگاه حضور دارد.» وی افزود: «ماموران به سرعت به محل حادثه رفتند. سارق که متوجه حضور پلیس در محل شده بود سعی داشت از طریق بام مغازه راه فراری برای خود پیدا کند که این امر باعث شد ماموران او را تا بام همسایه‌ها تعقیب کنند و زمانی که وی سعی داشت از طریق نرده‌های راهپله منزل همسایه فرار کند وی را با شلیک هوایی و متعاقب آن با شلیک به پای منتهم متوقف کردند.» سر کلانتر دوم پلیس پیشگیری پایتخت تصریح کرد: «منتهم تحت ملأوی پزشکان اورژانس قرار گرفت و پس از مداوا به جرم خود مبنی بر سرقت از فروشگاه اعتراف کرد و گفت تاکنون سه‌بار از مغازه‌های این محدوده سرقت کرده است.»

شرق: کامران، پسر جوانی است که به از تکاب دو قتل در دو نزاع خیابانی گدانه متهم شده و اکنون در بازداشت به‌سر می‌برد. او در جنایت اول جوانی به نام دارپوش را کشت و در جنایت دوم جوان ۲۷ساله‌ای به نام امین را به قتل رساند. او امین را نمی‌شناخت و دعوی اصلی بین دوستان قاتل و مقتول و به دلیل اختلافات مالی به‌وقوع پیوست و کامران با دخالت در این ماجرا دست به قتل زد. ماجرای دستگیری کامران دو روز قبل در صفحه حوادث منتشر شده بود. اکنون گفت‌وگو با این متهم را بخوانید:

چرا مرتکب قتل شدی؟

قتل اول وقتی اتفاق افتاد که پدرم تازه فوت شده بود. دارپوش سر جریانی که به او ربطی نداشت به من فحش داد و در نهایت موضوع به درگیری منجر شد که من او را با چاقو زدم و بعد فهمیدم فوت شده است. دارپوش در حمایت از یکی از دوستانمان به نام حسن که ۴۰هزار تومان به من بدهکار بود وارد ماجرا شده بود. البته من قبلا اسپیکر ضبط ماشین حسن را که صدهزار تومان می‌ارزید، گرو گرفته بودم.

● **دارپوش را از قبل می‌شناختی؟**

او را فقط یکی، دو بار در محل دیده بودم و اصلا شناختی از او نداشتم. او هم‌سن و سال من نبود که بخوام با او دوست باشم. من ۲۴ ساله هستم و او ۳۶ سال داشت. من آن روز اصلا قصد دعوا نداشتم.

● **تو با دارپوش درگیر شدی و او را به قتل رساندی. چطور می‌گویی قصد دعوا نداشتی؟**

دارپوش وقتی به سمت من آمد من چاقویم را از جیبم درآوردم و قبل از اینکه از موتور پیاده شود و آن را روی جک بگذارد به سمتش حمله کردم. من نمی‌دانستم چاقویی که دستم است خراب است و وقتی باز می‌شود به سختی می‌توان آن را بست. همان‌طور که چاقو دستم بود به سمت دارپوش رفتم و چند ضربه محکم با مشت به پهلوی دارپوش زدم و همچنان دور او می‌چرخیدم تا نتواند از موتور پیاده شود. بعد از چند دقیقه دارپوش با هر درددستی که بود موتورش را روی جک گذاشت و روبه‌روی من ایستاد و از شدت درد پهلوش را گرفت اما من فکر کردم می‌خواهد چاقویش را در آورد و حمله کند به همین خاطر می‌خواستم با چاقو دستش را زخمی کنم اما انگار اشتباهی چاقو در پهلوی دارپوش فرو رفتم. من خودم متوجه نشدم چه اتفاقی افتاده است. یکی از دوستان همان‌موقع رسید و به من گفت چه کرده‌ای دست و چاقویت را نگاه کن. وقتی دیدم خودم ترسیدم همه‌چیز خونی بود. حمید به من گفت فرار کن. من خودم شوکه شده بودم و عذرخواهی می‌کنم که فرار کردم.

● **بعد از فرار چه کردی؟**

به برادرم زنگ زدم تا به محل درگیری برود ببیند چه بلایی سر دارپوش آمده است بعد هم به یکی از دوستانم به نام حسین که در زندان با او آشنا شده بودم زنگ زدم و به خانهاش رفتم.

● **پس سبانه‌دار هستی؟**

شرق: مردی که متهم است در پی مشاجره با همسرش او و مادرزنش را با چاقو زخمی کرده و خواهرزنش را به قتل رسانده جزئیات این جنایت خونین را در برابر قضات دادگاه کیفری استان تهران توضیح داد.

به گزارش خبرنگار ما، نماینده دادستان در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران انجام گرفت در جایگاه حاضر شد و از کیفرخواست دفعه اول که او گفت: ماموران پلیس ۱۲شهرپور سال گذشته در جریان نزاع خونینی قرار گرفتند که در آن زنی جوان به نام نگار قربانی شده بود. وقتی ماموران در محل حاضر شدند شوهر نگار را دیدند که به شدت آشفته بود. او به پلیس گفت باجنابش این کار را کرده است و به‌جز اینکه همسرش را به قتل رسانده خواهرزن و مادرزن وی را هم زخمی کرده است. در حالی‌که تحقیقات در این خصوص ادامه داشت حمید – متهم پرونده – خود را به ماموران معرفی کرد. او در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت در پی مشاجره با همسرش دست به این قتل زده است و از آنجایی که مادر و خواهرزنش در ماجرا دخالت کردند آنها را با چاقو زخمی کرد. متهم ادعا کرد قصد قتل نداشت، با این حال با توجه به اینکه متهم با ضربه کشنده زن جوان را از پای درآورده، مادرزنش نیز شکایت خود را در دادسرا مطرح کرده است و مدارک و شواهد موجود نیز آن را تأیید می‌کند به‌عنوان نماینده دادستان تهران درخواست صدور حکم قانونی دارم.

در ادامه شوهر مقتول به‌عنوان قیم‌فرزندش در جایگاه حاضر شد. او از طرف فرزندش برای متهم درخواست قصاص کرد و گفت: مادرزنم ساختمانی داشت که من و همسرم در یکی از واحدهای آن و حمید و زنش نیز در

قتل خواهرزن در دعوی خانوادگی

متهم همسر و مادرزنش را نیز با ضربات چاقو زخمی کرد

واحدی دیگر زندگی می‌کردند. ما زندگی خوبی داشتیم تا اینکه حمید وارد خانواده قتل شد و مرتب با همسرش نمی‌کرد و به شدت آسیب درگیر بود. خواهرزنم کار می‌کرد و خرج زندگی را می‌داد و همیشه هم سر این موضوع با هم دعوا داشتند. حمید هربار سر کار می‌رفت چند روز بیشتر نمی‌ماند و می‌گفت باید کار بهتری پیدا کنم به همین بهانه در خانه می‌ماند حتی چندبار هم خودم برایش شغلی پیدا کردم اما بازهم حاضر نشد کار کند. روز حادثه طبق معمول حمید

و زنش با هم دعوا کردند. صدای آنها بالا رفت و زنم برای اینکه واسطه شود، به خانه آنها رفت اما دعوا ادامه پیدا کرد. من خواستم دخالت کنم همین‌که از آپارتمان بیرون آمدم دیدم حمید با چاقوی خونی از پله‌ها پایین می‌آید پسرم داشت گریه می‌کرد و با دست مادرش را به من نشان داد حمید را رها کردم و به سراغ همسرم رفتم. با اورژانس تماس گرفتم بعد بالا رفتم و دیدم مادرزن و خواهرزنم هم زخمی شده‌اند اورژانس همه آنها را برد اما شدت ضربه‌ای که به زنم وارد شده، آنقدر شدید بود که

حوادث

گفت‌وگو با جوان ۲۴ساله‌ای که ۲ نفر را در نزاع‌های خیابانی کشته است

از ترس زورگیران چاقو برمی‌داشتم



نه سابقه ندارم. مظنون به سرقت کابل بودم که آخر سر تیرئه شدم. دوستم راننده کامیون بود و من هم با او کار می‌کردم. ماشینی که با آن کار می‌کردیم دم دکل برق که ظاهر دزد به آن زده بود، پنجر شده بود و ما هم بی‌خبر از همه‌جا مشغول پنجرگیری بودیم که ماموران آمدند و ما را دستگیر کردند اما بعد تیرئه شدیم.

● **وقتی فهمیدی دارپوش فوت شده است چه کردی؟**

فرار کردم. هر چند روز یکبار خانه یکی از اقوام و مدتی هم در خیابان بودم. ● **در این مدت عذاب وجدان نداشتی؟ نمی‌خواستی خودت را معرفی کنی؟**

چرا عذاب وجدان داشتم اما نمی‌دانستم چه باید بکنم. سر دوراهی گیر کرده بودم.

● **ماجرای قتل دوم چه بود؟**

بعد از حدود یکماه فرار، حسین پیشنهاد داد به شمال بروم. روز قتل حسین داشت من را به ترمینال می‌برد تا سوار اتوبوس شوم. در راه ماشین پسری به اسم مهدی را دیدیم که حسین از او پول می‌خواست. به همین دلیل ناگهان جلوی ماشین او پیچید و قبل از آنکه مهدی که سمت شاگرد نشسته بود پیاده شود، جلوی در رسید و با دست چند ضربه به صورت او زد. من هم پیاده شدم و دیدم امین که راننده بود به طرف صندوق ماشین رفت تا چوب بردارد و به حسین حمله کند. هرچه گشت چیزی پیدا نکرد. بعد من با او درگیر شدم. در همین هنگام حسین به طرف امین رفت و یک لگد به او زد و

من هم یک ضربه چاقو زدم و فرار کردم.

● **چطور باخبر شدی امین به قتل رسیده است؟**

وقتی که برای قتل اول در بازداشت بودم.

● **بعد از قتل دوم باز هم فراری بودی؟**

در آن مدت باز هم در خانه اقوام بودم و از آنها پول می‌گرفتم.

● **آیا اقوامت می‌دانستند قتل انجام داده‌ای؟**

دقیقا نمی‌دانستند چه کار کرده‌ام اما می‌دانستند جرمی انجام داده‌ام. آنها به پلیس خبر نمی‌دادند اما خیلی سرد برخورد می‌کردند و من هم هر بار بعد از چند روز از خانه‌شان می‌رفتم.

● **اعتیاد داری؟**

بله. اولین‌بار در زمان سربازی شیشه کشیدم البته قبل از آن انواع قرص‌ها را مصرف می‌کردم.

● **چطور شد که مصرف قرص را شروع کردی؟**

اولین‌بار به توصیه دوستانم مصرف را شروع کردم. می‌گفتند با قلیان جواب می‌دهد و من هم امتحان کردم. خوب بود. بعد از آن مصرفم را ادامه دادم. آخرهای خدمت هم مصرف شیشه را شروع کردم و تا موقع دستگیری مصرفم را ادامه دادم.

● **چطور دستگیر شدی؟**

چند ساعتی بود که به خانه عمادم در هشتگرد رفته و خواب بودم. پتو را روی صورت کشیده بودم که یکدفعه ماموران را بالای سر خودم دیدم و تا به خودم آمدم دیدم توی صورت می‌اسپری پاشیدند.

● **چند خواهر و برادر داری؟**

فقط یک برادر.

● **چقدر درس خوانده‌ای؟**

سوم‌دیرستان.

● **شغل پدرت چه بود؟**

دستفروش بود. اوآخر سال ۹۱ فوت شد.

● **چرا چاقو در جیبت گذاشته بودی؟**

یکبار پنج نفر موتورسوار از من زورگیری کردند و هر چه داشتم زددیدند. بعد از آن چاقو در جیبم می‌گذاشتم. شب قتل اول چاقو را از کشوی برادرم برداشتم. بعد از آن هم در تمام مدت چاقو داشتم چون فراری بودم و خیلی شب‌ها بیرون می‌خوایدم.

● **شغلت چه بود و آیا جرم دیگری هم انجام داده‌ای؟**

بعد از ترک‌تحصیل هم کار می‌کردم. مدتی دستفروشی و مدتی هم مسافرکشی کردم. بعد هم با وانت باربری کردم تا اینکه نگهبان شب کارخانه‌ای شدم.

● **چرا آنقدر شغل عوضی کردی؟**

مدتی با ماشین کار می‌کردم اما چون از ماشین خاطره بد داشتم و به‌خاطر ماشین بود که به‌عنوان مظنون به کابل‌زدی دستگیر شدم، شغلم را تغییر دادم و مدت یکسال بود که نگهبان شب بودم.

بودم اما نتوانستم دوری او را تحمل کنم و دوباره برگشتم. زنم با من بدرفتاری می‌کرد چون نمی‌توانستم کار کنم هر روز بیشتر بهانه می‌گرفت به من گفته بود فقط به شرطی من را به خانه راه می‌دهد که خرجی بدهم، شاغل شوم و به او هم کاری نداشته باشم که کجا می‌رود اما من حتی شرط اولش را هم نمی‌توانستم برآورده کنم. مدتی بود که خیلی لاغر شده بودم و همسرم متوجه شده بود معناده هستم. شب حادثه به خانه رفتم زنم معلم نگذاشت مادرزنم هم همین‌طور صبح زنم بیارم کرد و گفت از خانه بیرون برو. گفت برو و در خیابان بخواب به سن ربطی ندارد که بخوام از تو مراقبت کنم. ما با هم مشاجره کردیم. خیلی ناراحت بودم چاقو برداشتم و زنم و مادرزنم را زدم. در راهرو خواهرزنم را دیدم او می‌خواست حمید زندگی‌ام را ویران کرد.

سپس متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: قبول دارم به نگار ضربه زدم و به باجنانم حق می‌دهم از من عصبانی باشد و درخواست قصاص کند. به خاطر اتفاقی که افتاده خیلی متأسفم اما از او خواش می‌کنم حرفم را باور کند من همسر او را به عمد نکشتم. داشتم فرار می‌کردم که یکدفعه نگار جلویم ظاهر شد و سعی کرد جلو مرا بگیرد، سه ضربه به او زدم نمی‌خواستسم او را بکشم. نمی‌دانم چرا این کار را کردم. بعد باجنانم سر راهم قرار گرفت او را تهدید کردم ترسید و راه را باز کرد.

متهم ادامه داد: من همسرم را دوست داشتم ما با مخالفت خانواده‌هایمان باهم ازدواج کردیم اما خیلی زود مشکل پیدا کردیم. دو سال بود که همسرم را ترک کرده



رویترز: هواپیما یو بیوینگ ۷۷۷ در فرودگاه بین‌المللی سان فرانسیسکو دچار سانحه شد. این هواپیما که متعلق به شرکت آسیانا کره جنوبی است، قصد فرود اضطراری در فرودگاه سان فرانسیسکو را داشت که دچار سانحه شد و آتش گرفت. دست‌کم دوفهر در این سانحه کشته و ۷۲ و ۱۰۳ نفر نیز مجروح شدند. هنوز دلیل فرود اضطراری یو بیوینگ مشخص نیست. این هواپیما ۲۹۰ مسافر و ۱۲ خدمه داشت.

شماره ۱۷۷۶ • شماره ۱۷۷۶ روزنامه

رخداد

دادگستری تهران جلسه تشکیل داد محاکمه دولت آمریکا به اتهام قتل دختر معلول ایرانی

● **مهر:زن** ایرانی که مدعی است دختر معلولش در آمریکا به قتل رسیده و اموالش مصادره شده در دادگستری تهران علیه دولت آمریکا شکایت کرد و جلسه رسیدگی به پرونده دایروز برگزار شد. مینا پورزند کابل، مادر دختر ۳۴ساله ایرانی چندی قبل با طرح شکایتی در دادگستری ایران مدعی شد، پس از درگیری‌هایی که با فرد شیدای آمریکایی داشته با توطئه‌چینی‌های او، دادگاه محلی شهر راجستر برخلاف قوانین بین‌المللی او را از حق سرپرستی دخترش به نام مریم محروم کرده است. پلیس آمریکا همچنین دختر معلول را به زور به مرکز خدمات اجتماعی منتقل کرد که در آنجا تحت مراقبت مردی آمریکایی قرار گرفت. مریم روز اول اکتبر سال ۱۹۹۶ در این مرکز فوت کرد، در این حالی بود که پس از تحویل جنازه آثار کیودبی روی بدنش مشاهده می‌شد. پلیس همچنین علت مرگ دختر جوان را خفگی اعلام کرد.از سوی دیگر اموال میلیاردی این زن در آمریکا به طور غیرقانونی از او گرفته شد. پس از پیگیری‌های گسترده از سوی مادر مریم سرانجام دادخواست او علیه دولت آمریکا مورد قبول دستگاه قضایی ایران قرار گرفت و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه امور بین‌الملل در مجتمع قضایی شهید بهشتی فرستاده شد. صبح دایروز ۱۷سال بعد از مرگ مریم جلسه محاکمه دولت آمریکا برگزار شد و باوجود احضار هیچ نماینده‌ای از این کشور حاضر نشد.

قاضی احمد اصلنور در ابتدای این جلسه از شاکي پرونده خواست به طرح شکایت خود بپردازد که مادر مریم با ارایه مدارکی که در این جمع جتم‌آوری کرده بود، اظهار کرد: مریم در زمان تولد به دلیل آن‌کوسی دچار فلج مغزی شد و ۱۱ماهه بود که او را برای درمان و فیزیوتراپی به سوسییس برمد، دخترم چهارساله بود که برزشکی از واشنگتن به ایران آمد و گفت اگر او را عمل کنیم قادر به راه‌رفتن خواهد بود اما دخترم در جریان این عمل جراحی و فیلد تزریق زیاد داروی بیهوشی مبتلا به بیماری صرع شد. مریم هفت‌ساله بود که او را برای درمان به آمریکا بردم و با مشکلات زیاد موفق شدم معالجه‌اش را پیگیری کنم. درمان‌هایی که در آنجا صورت گرفت موفق بود و برخی از مشکلات دخترم رفع شد. از آن تاریخ به بعد من تحت آموزش‌هایی که قرار گرفته بودم مریم را در خانه فیزیوتراپی می‌کردم. به دلیل رفت و آمدم به آمریکا تصمیم گرفتم دو محل زندگی برای خودم درست کنم. یکی در ایران و یکی در آمریکا. پس از مشاوره با وکیلی در آمریکا قرار شد در این کشور سرمایه‌گذاری کنم. هشت دستگاه آپارتمان را خریدم تا اعتبارم در بانک‌های آمریکا افزایش یابد. همچنین یک خانه بزرگ برای فرزندانم خریدم و یک زوج آمریکایی را به‌عنوان مستخدم استخدام کردم تا وقتی به ایران می‌آیم از فرزندانم مراقبت کنند. وی افزود: در جریان خرید این خانه‌ها با پسری آمریکایی آشنا شدم که واسطه خریدهایم بود. او وقتی از وضعیتم اطلاع پیدا کرد و به دلیل فسادهایی که در سیستم اداره شهر بود مشکلاتی را برایم به وجود آورد و من مورد آزار و اذیت قرار می‌داد. او با کمک پزشکان یکی از کلینیک‌های شهر مرا مورد شکنجه قرار دادند و ادعا کردند بیمار روانی هستم. آنها همچنین با دستکاری در ماشین من چندین تصادف برایم ایجاد کردند. در دادگاهی که قرار بود درخصوص روانی‌بودن من تشکیل شود وکیلی تسخیری گرفته و قرار شد این وکیل وضعیت آپارتمان‌هایم را مشخص کند و آنها را بفروشد. من هم برای پیگیری وضعیت خانه‌ای که در ایران داشتم به کشور بازگشتم. پس از مدتی وکیل با من تماس گرفت و گفت به دلیل خرابکاری‌هایی که صورت گرفته، حدود ۲۰هزار دلار به خانم‌ام خسارت وارد شده و دیگر قادر به نگهداری از خانه‌هایم نیست. من هم به همراه دخترم دوباره به آمریکا بازگشتمیم. چند وقت بعد اداره اجتماعی آمریکا نامه‌ای برایم فرستاد که در آن خواسته شده بود برای نگهداری از مریم فوری به آمریکا بازگردم وقتی خودم را به دخترم رساندم متوجه شدم او دچار سوخگی شدید شده است که علیه کلینیک مورد نظر شکایتی ا مطرح کردم.

این مادر ایرانی ادامه داد: به خاطر توطئه‌هایی که صورت گرفته بود دادگاه آمریکا من را از حق سرپرستی فرزندم محروم کرد و اول اکتبر ۱۹۹۶ من به من اعلام شد دخترم به دلیل خفگی فوت شده است، من نیز با پیگیری‌های خود جسد او را به ایران منتقل کردم که مشخص شد آثار کیودبی بسیاری بر بدنش وجود دارد. به همین خاطر برای پس گرفتن اموالم که مصادره شده و همچنین موضوع قتل دخترم شکایتی ا مطرح کردم. پس از طرح شکایت این زن قاضی اصلنلو ادامه رسیدگی به پرونده را به جلسه دیگر موکول کرد.

بریده اخبار

- سقوط پسر بچه‌ای ۹ساله از طبقه سوم خانه‌ای در شهر مشهد مرگ او را رقم زد.**
- مرد مسافر در مقابل چشم همسرش هنگام شستن دست در «پارس آیاد، استان اردبیل به داخل کانال آب سقوط کرد و غرق شد.**
- اعضای باند سارقان حرفه‌ای اماکن خصوصی در اهواز دستگیر شدند و از آنها اموال مسروقه به ارزش صد میلیون تومان کشف شد.**
- زن و مردی که به بهانه خرید طلا وارد تالافروشی در ساری شده و سرویس طلا را سرقت کرده بودند، توسط پلیس دستگیر شدند.**
- مقامات ایالت شرقی پاکستان «پنجاب»، گفتند حداقل ۹انفر شامل دو کودک در روز شنبه در حادثه واژگونی قطار با بار متوسسکلت جان خود را از دست دادند.**